

# گفتوگو هم استراتژی هم تاکتیک

## کیوان صمیمی در گفتوگوی اختصاصی با «اعتماد» درباره دوران حضور در زندان و آرمان‌های محقق نشده انقلاب می‌گوید

مهدی بیگ‌اوغلی

شاید تصور شود فردی که 8 سال از 12 سال گذشته زندگی خود را به خاطر فعالیتهای مدنی، رسانه‌ای و تحلیلی در زندان بوده، باید سرشار از نفرت و کینه و خشم باشد. اما کیوان صمیمی، روزنامه‌نگار، فعال سیاسی و زندانی سیاسی در ایران که سال‌های متمادی از زندگی خود را در زندان و بازداشت و... گذرانده، هنوز تنها راه‌حل عبور از چالش‌های پیش روی کشور را حرکت در مسیر «گفتوگو» و دست زدن به روش‌های غیرخشونت‌آمیز و اصلاحی می‌داند. بر این اساس است که او با نقد برخی افراد و جریان‌ات که این روزها تلاش می‌کنند، نسخه سیاسی برای ایران بپیچند به این واقعیت اشاره می‌کند که جامعه ایران در بطن جنبش‌های اصلاحی خود، نهایتاً مسیر درست را انتخاب خواهد کرد و نیازی به الگوهای مبهم و نامشخص بیرونی ندارد. او می‌گوید: تنها راه نجات کشور که حتی به نفع اصولگرایان هم هست (آن دسته از اصولگرایانی که سرسپردگی مالی نداشته باشند) جنبش خشونت پرهیز اجتماعی، حزب و گسترش فعالیتهای حزبی است. در این مدل فکری، «گفتوگو» که به آن اشاره کردم به مثابه زیرساخت این جنبش است. البته ما هنوز وارد این مرحله نشده‌ایم، اما ایران به‌طور کلی یک جامعه جنبشی است و در مراحل بعدی می‌توان به فضای بعدی که دستیابی به یک جنبش خشونت پرهیز و شکل‌گیری بستر گفتوگوی همگانی است، رسید.

شما طی 12 سال گذشته (از سال 88 تا 1401) 8 سال را در زندان

سپري کرده‌ايد. بلافاصله پس از آزادي هم پرونده تازه‌اي براي شما تشكيل شده است. درباره اين آيند و روند مستمر به زندان و دليل تشكيل پرونده‌هاي تازه توضيح مي‌فرماييد؟

به‌طور كلي، از سال 88 تا 94 حدود 6سال را در زندان بودم. سپس سال 94 تا 98 بيرون بودم و نهايتا از 98 تا 1401 دوباره براي پرونده آخرم در زندان بودم. بعد از آزادي از زندان اما باز هم پرونده‌اي عليه من باز شده که ممکن است باعث شود دوباره به زندان برگردم. حدود 10ماه پيش (اردیبهشت 1401) بود که خبر رسيد، قرار است خانم النا دوهان فرستاده ويژه دبیرکل سازمان ملل راهي ايران شود. من همراه با 4نفر از دوستان از جمله گيتي پورفاضل، احمدرضا حائري، صدرا عبداللهي و جعفر عظيمزاده نامه‌اي به ايشان نوشته و درخواست کردیم که براي دستيابي به درك روشن‌تري از وضعيت ايران با فعالان مدني مستقل در ايران دیدار کند. زماني که زندان بودم، درباره امضاي اين نامه از من بازپرسی شد؛ نهايتا پرونده به دادستاني تهران عودت داده شد و کيفرخواستي با عنوان اجتماع و تباني عليه من صادر کردند. البته برداشت من اين است که اين پرونده با فشار برخي ارگان‌ها به جريان افتاده است.

آيا پس از آزادي از زندان درباره اين پرونده‌هاي جديد، احضاريه‌اي براي شما صادر شده است؟

بلافاصله پس از آزادي من، احضاريه‌اي از شعبه 29دادگاه انقلاب براي من صادر شد که خودم را به دادگاه معرفي کنم. من البته به دادگاه مراجعه نکردم و اطلاع ندارم که چه فرآيندي طي شده است. فعلا پرونده‌ها در همين حد است تا احضاريه تازه‌اي براي من صادر شود.

درباره محتوای نامه‌اي که شما امضا کردید و براي آن پرونده عليه شما تشكيل شده توضيح مي‌دهيد؟

پس از انتشار خبر حضور خانم دوهان در ايران، ما نامه‌اي نوشته و در آن خطاب به ايشان اعلام کردیم، تجربيات قبلي نشان مي‌دهد، دولتهای ايران در زمان حضور فرستاده‌هاي دبیرکل سازمان ملل و اساسا فرستاده‌هاي ساير نهادهای بين‌المللي، تلاش مي‌کنند تصوير مورد نظر خود را به آنها ارايه کنند. پيشنهاد ما اين بود، براي دستيابي به تصويري شفاف و واقعي از ايران، لازم است اين دوستان علاوه بر گفت‌وگو با نهادهای حاکميتي ايران با فعالان جامعه مدني و فعالان حقوق بشر و... هم دیدار و گفت‌وگو کنند. محور نامه امضا شده، حول اين موضوع كلي بود.

آيا چنين درخواستي را مي‌توان ذيل عنوان جرم اجتماع و تباني دسته‌بندي کرد؟ شما درخواست ارتباط با يك فرستاده بين‌المللي را داشتيد و در ظاهر هيچ‌گونه ساختارشکني يا جرم خاصي در نامه شما هم

**مشاهده نمیشود. روند پیگیری این پرونده به چه صورت بوده است؟**

ببینید، من فکر می‌کنم از منظر قضات بیطرف، چنین عناوین مجرمانه‌ای برای چنین فعالیت‌هایی معنا نخواهد داشت. البته پرونده یکی دیگر از دوستانی که همراه با ما این نامه را امضا کرده بودند، زودتر دنبال شد. نهایتاً دادگاه با قضاوت قاضی افشاری برگزار شد و در حکم دادگاه هیچ اشاره‌ای به این نامه به عنوان جرم انتسابی نشده و مجازاتی برای آن در نظر گرفته نشده است. این فرد فعالیت‌های دیگری هم داشته است و به خاطر امضای این نامه مجازات نشده است. بنابراین فکر می‌کنم، امضای این نامه از منظر قضات بیطرف، جرم محسوب نخواهد شد.

**اگر موافقید از فضای پرونده‌های شما کمی فاصله بگیریم و درباره موضوعات دیگر هم صحبت کنیم. تا چه اندازه شرایط امروز کشور، مطابق آرمان‌های سال‌های ابتدایی انقلاب است؟**

تحلیل من این است که امروز با آرمان‌های سال‌های ابتدای انقلاب، فاصله زیادی داریم. شعارهای اصلی انقلاب استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. اما این آرمان‌ها هنوز محقق نشده‌اند. نه استقلال مورد نظر محقق شده، نه آزادی و نه جمهوری اسلامی. باید توجه داشت تلقی عموم مردم ایران از جمهوری اسلامی در سال 57، جمهوری مبتنی بر دموکراسی، عدالت، آزادی و... بود اما به نظرم به آرمان‌های انقلاب جفا شده و انقلاب وسیع و بزرگ و مردمی ایران که مطابق خواسته مردم و بدون دستور گرفتن از کشور خاصی به پیروزی رسیده بود، هنوز به نقطه آرمانی خود نرسیده است.

**این انحراف از اهداف اولیه اما از چه زمانی رخ داد؟**

این انحرافات، متعلق به امروز و دیروز و حضور يك فرد خاص و عدم حضور فرد دیگری نیست. به نظر من بعد از 23 بهمن ماه 57، برخی انحرافات آغاز شد. فکتهای زیادی هم برای این موضوع دارم. زمانی که سردبیر ایران فردا بودم یا در نشریه نامه فعالیت داشتم و در مصاحبه‌های داخلی و خارجی‌ام بارها اشاره کرده‌ام که چه رخدادهایی باعث دوری انقلاب از اهدافش شده است. جزییات این موضوعات را هم میدانم که چه افراد و جریان‌اتی زمینه این انحرافات طی سال‌های بعد را شکل دادند. در يك دیاگرام در ایران فردا این انحرافات را به‌طور جزیی‌تر نشان دادم.

**اما برای بازگشت به مسیر درست و تحقق آرمان‌هایی که شما و برخی دیگر از فعالان سیاسی و تحلیلگران معتقدید هنوز محقق نشده‌اند چه باید کرد؟**

من اولین و فوری‌ترین چه باید کرد را «گفت‌وگو» میدانم. تقریباً از سه سال پیش و زمانی که کانال تلگرامی‌ام راه‌اندازی کردم، در

اولین یادداشت‌م در کانالم نوشتم: «گفت‌وگو هم استراتژی هم تاکتیک». هنوز هم بر همین باورم که ما نباید خیلی قدم‌های بزرگ و خیلی جلوتر را برداشته یا درباره آنها صحبت کنیم. می‌بینم اخیراً عده‌ای در خارج از کشور در حال تعیین لیدر هستند. این تحرکات منطقی نیست، حرکت اصلاحی که آغاز شود و گفت‌وگوها که شکل بگیرد از درونش محتوای لازم هم برمی‌خیزد. هر جنبش خشونت پرهیز اصلاحی، نیازمند گفت‌وگو است. برخی از این حرکت‌های خشن قابل قبول نیستند. البته این رفتارهای خشن را محکوم نمی‌کنم، چراکه این جوانان هم خود قربانی این وضعیت هستند. طبیعی است جوانی که مشکلات فراوانی را دارد و از هر طرف احساس بن‌بست می‌کند، دست به برخی اقدامات هم بزند. اما راه‌حل، گفت‌وگو و تعامل است. در کل من و شما متولی مردم نیستیم که بگوییم چه کار کنند؛ از دل گفت‌وگوهاست که قدم‌های اصلاحی لازم شکل می‌گیرد و خرد جمعی راه را نمایان می‌کند. خرد جمعی است که در هر مرحله مشخص می‌کند چه باید کرد. بنابراین چه باید کرد؛ موضوعی است که از دل گفت‌وگو و خرد جمعی شکل می‌گیرد.

**شخصاً برای دستیابی به این رویکرد اصلاحی چه پیشنهاداتی را**

**دارید؟**

طبیعی است در سطح کلان دیدگاه‌هایی داریم. هم در زندان و هم پس از خروج از زندان در کانال تلگرامیام سرفصلی را با عنوان «جنبش اجتماعی» باز کردم. 37 الی 38 مقاله کوتاه درباره این رویکرد را نوشتم. در این سلسله‌مقالات جنبش اجتماعی توضیح داده‌ام که تنها راه نجات کشور که حتی به نفع اصولگرایان هم هست (آن‌دسته از اصولگرایانی که سرسپردگی مالی نداشته باشند) جنبش خشونت پرهیز اجتماعی، تحزب و گسترش فعالیت‌های حزبی است. در این مدل فکری، «گفت‌وگو» که به آن اشاره کردم به مثابه زیرساخت این جنبش است. البته ما هنوز وارد این مرحله نشده‌ایم، اما ایران به‌طور کلی یک جامعه جنبشی است و در مراحل بعدی می‌توان به فضای بعدی که دستیابی به یک جنبش خشونت پرهیز و شکل‌گیری بستر گفت‌وگویی همگانی است، رسید.

---

شعارهای اصلی انقلاب استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود. اما این آرمان‌ها هنوز محقق نشده‌اند  
به نظر من بعد از 23 بهمن ماه 57، برخی انحرافات آغاز شد. فکتهای زیادی هم برای این موضوع دارم  
من اولین و فوری‌ترین چه باید کرد را «گفتگو» می‌دانم. گفتگو

هم استراتژي هم تاکتيک  
رفتارهاي خشن برخي جوانان را محکوم نمي کنم چرا که اين  
جوانان هم خود قرباني اين وضعيت هستند. طبيعي است جواني که مشکلات  
فراواني را دارد و از هر طرف احساس بن بست مي کند، دست به برخي  
اقدامات هم بزند

منبع: [www.1401.com](#) 25 آبان 1401